

شرف خود را بر روی حسن ساختن (ریش مجین) بر داد .

ریش مجین یا ریش علی اگر بایک و نیم به عمق برود و از آنجا به طرف راستی حرکت کند بر روی علی آنگاه به سمت دربان برده است همین راه به علی پس از عقب به و نیم برود و طبعین را از جاده اصلی منحرف کرده و کنار جاده برت میکند . علی اگر محکم دربان را بگیرد و با علی همراه شود و در آنجا بماند .
صفت لقمه که در آن سوراخ است و در آنجا سوراخ است
در این حالت ریش مجین از طبعین به بیرون بر می آید . علی اگر در راه ای به سرش وارد می شود و بعد از چند ثانیه عقبه می شود که ریش مجین کار جاده افتاده است طوری که او را با او یک و داخل و نیم می گذارد و ریش مجین او را بلند کرده بداخل طبعین برود و به بیابان برساند و در این موقع عقبه می شود که اگر از آنجا بر آید وادی گرفته اند تمام می شود از منطقه بگذرد و سوار یک پیاز کزابه می شود بعد از طی مسافتی می بیند که یک طبعین جیب و (آب میخانه) او را تعقیب میکند از طبعین پیاده شده و از آنجا به پیاز کزابه می آید و جیب را از او گرفته و از او پیاده می کند می بیند که اسلحه مجین در دست می بیند که در میان است که جز تعقیب کنندگان می باشد علی اگر به او می گوید اسلحه را بده و او بدهد پس از آن دره یک طبعین دیگر از منطقه می گذرد و وارد جاده علی شده در میان گذر بارها می رود آبی پیدا میکند دست خود را می آید و (بر حدود سه ساعت طول می کشد) در این مدت از آن دره می آید از آنجا می آید و از آنجا به سمت دربان می آید علی اگر ریش مجین را تعقیب می کند داخل جیب یک سوراخ است که در آن پیاز کزابه و تو می بیند و با آنکه به طرف علی اگر فلانک می کند بر روی هم پیاز کزابه را می کشد کرده چندین دفعه اسلحه علی اگر گیر

ریش مجین در این حالت و ریش می شود و زنده بدست در آنجا می آید بعد از اطلاع یافتن که ریش زنده بوده و در آنجا او را به شکیب کشته است .

میگند که گنگن میزند و تیراندازی میکند، هیچکدام از گلوله های دشمن به علی
اکبر نرسید. علی اکبر بعد از این درگیری دو تا تین سواره کرده و بعد از آن
برخورد بایک اسیر (بدون سلاح) بلاخره یک تا تین سوار و مروط به یک مهندس
برق منطقه ای مازندران (مهندس خلیان) را سواره کرده و خود را به تهران
میرساند. تا تین را در یکی از خیابانهای غربی تهران پارک میکند و با استفاده از
شماره تلفن صاحب تا تین د که در داخل داشبورد تا تین بوده به او تلفن میزند
که بیاید تا تین را بردارد که او هم همین کار را میکند.

انتقاد های وارد به علی اکبر

- ۱- علی اکبر میبایست طریق مجتبی را میزد و وظیفه سواران را انجام میداد.
- ۲- سوارانده نیز گزایه با او دست به یقه میشود و با هم گلاویز میشوند و اینکه حکم
علی اکبر را بگیرد ولی اکبر به سختی خودش را از دست او خلاص میکند و سببش میشود
دو گلوله جلوی پایش خالی کند. علی اکبر میبایست همان لحظه اول که راننده
مقاومت میکرد گلوله ای بدست یا پاهاش میزد چون امکان داشت در اثر گلاویز شدن
اسلحه از دستش بیفتاد و او را بگیرند.
- ۳- علی اکبر میبایست درجه داری را که تعقیبش کرده بود میزد و نباید با او صحبت
اسلحه را بدهد چون ممکن بود همین دادن اسلحه او را بزند اگر چه گلوله های اسلحه
را خالی کرده بود ولی علی اکبر از قبل این موضوع را نمیدانست. همین گروه ها که
التماس کرده بود که علی اکبر او را نزد رذت و اتقار می را خبر کرد و لحظه آخر از
تعقیب علی اکبر دست برداشت و در این مواقع باید با کلاهت بیشتری با مردم
برخورد شود.

حکما لعل مردم و دشمن

مردم شمال که مدتها بود خبری از جن کجا نداشتند شروع به ساختن شایعه کردند

یکی میگفت که راننده جرک نبوده بلکه چریکها سوار وانت شده بودند که آنها سه مرد و یک زن بوده اند یکی دیگر میگفت که چریکها چندین نفر و درجه دار راننده آنها و بعدا گریخته اند و هر کس چیزی میگفت ، دشمن هم که نمیدانست علی اکبر از کدام جاده فرار کرده تمام جاده های شمال را بسته بود ولی موقعی دست به این عمل زد که علی اکبر به تهران رسیده بود ، شب همان روز تمام پاسبانهای شمال را حاضر کرده بودند و با دادن تنگ به آنها شماره ماشین را که علی اکبر با آن فرار کرده بود به پاسبانها دادند و به آنها گفته بودند که اگر این ماشین را دیدید بدون ایست به آن سیراندازی کنید .

یک پاسبان که خودش در جریان بود با حالت وحشت زده ای گفته بود که چندین شب پیش با آماده باش داده بودند و تا چند شب پوتینهایمان را از پا در نیاورده بودیم او میگفت خرابکاران را نمیتوان گرفت و تعریف کرده بود که در یکی از درگیریهای شمال دو نفر از پاسبانها تیرهایشان را در توالت خالی میکنند (هنگام درگیری) و این موضع را رهن شهرمانی فهمیده بود ، در جلسه ای رهن شهرمانی بعد از درگیری فقط به پاسبانها گفته بود شو آور است که حدیک زن خرابکار به آن صورت میجنگد و شما که مرد هستید و ادعای مرد بودن میکنید بیروید نشکتهتان را در توالت خالی میکنید او خیلی وحشت زده بود (پاسبان) و هنوز اثر خستگی ناشی از کم خوابی در چهره اش بچشم میخورد .

نتیجه حاصل از درگیری

۱ - فقط هنگام راننده کی در جاده ها باید مواظب باشند تصادف نکند چون در اثر

فره نام از هادیسکن استرپور شده و که بدستشمن پاناد

فراین هادیسکن خود طر اگر درگسرتن و نپوستکشان

حال حرکت کرده اینجا یک پشکوز و استرپور انباء پاد هادیسکن در نتیجه

اوهن رکن رکن هادیسکن شده است .

؟ ساگر فرجاده فرگوشتم پاد سرچ از هادیسکن